

# The Realization of the Islamic Society from the Perspective of Sahafi Sajadiyeh, Relying on the Foundation's Data Method

## ARTICLE INFO

**Article Type**  
*Analytical Review*

### Aurhors

Peyman Ayazi<sup>1</sup>  
Seyed Ahmad Mirian<sup>2\*</sup>  
Hamid Mohammad Ghasemi<sup>3</sup>

### How to cite this article

Peyman Ayazi, Seyed Ahmad Mirian, Hamid Mohammad Ghasemi, The Realization of the Islamic Society from the Perspective of Sahafi Sajadiyeh, Relying on the Foundation's Data Method, *Journal of Quran and Medicine*, 2023;7(5):187-198.

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran (Corresponding Author).

3. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran

### \* Correspondence:

Address:  
Phone:  
Email: Mirian.M@gmail.com

### Article History

Received: 2022/11/02  
Accepted: 2023/01/19

## ABSTRACT

One of the stages of the crystallization of Islam in human societies is the realization of Islamic society, which is a prerequisite for the creation of Islamic civilization. In the upcoming research, an attempt has been made to answer this basic question using a qualitative method and using the data base method, how is the conceptual framework of community building realized from the perspective of Sahifah Sajjadiyeh? This article examines the 54 prayers contained in the valuable book of Sajjadiyeh, and develops a model about the realization of Islamic society from the perspective of Imam Sajjad (peace be upon him). In this research, the main category of socialization is monotheism, which is realized due to the existence of leadership, idealism and human nature. The categories of ignorance and misguidance, behavioral deviations, arrogance and bigotry have also been identified as intervening categories. Strategies for the realization of Islamic society include: reform, control and supervision, enjoining good and forbidding evil, good morals, rationality and piety, which follow the application of these strategies, consequences such as: obedience, adherence to laws, respect for human rights security and peaceful coexistence is manifested.

**Keywords:** Imam Sajjad, Sahifa Sajjadiyeh, Islamic Society, Foundation Data.

## تحقق جامعه اسلامی از دیدگاه صحیفه سجادیه با

## تکیه بر روش داده بنیاد

پیمان ایازی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

سیداحمد میریان<sup>۲\*</sup>

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول)

حمید محمدقاسمی<sup>۳</sup>

دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

## چکیده

یکی از مراحل تبلور اسلام در جوامع بشری، تحقق جامعه اسلامی است که پیش نیاز ایجاد تمدن اسلامی است. در پژوهش پیش رو تلاش شده به روش کیفی و با استفاده از روش داده بنیاد به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که چهارچوب مفهومی جامعه سازی از منظر صحیفه سجادیه چگونه محقق می‌شود؟ این مقاله با بررسی ۵۴ دعای موجود در کتاب ارزشمند صحیفه سجادیه، به تدوین الگویی درباره تحقق جامعه اسلامی از منظر امام سجاد (علیه السلام) می پردازد. در این پژوهش، مقوله علی جامعه سازی، توحید بوده که به سبب وجود رهبری، آرمان خواهی و فطرت انسانی تحقق می یابد. مقوله‌های جهل و گمراهی، انحرافات رفتاری، هوای نفس و تعصب گرایی نیز به عنوان مقوله های مداخله گر شناسایی شده اند. راهبردها برای تحقق جامعه اسلامی شامل: اصلاح سازی، کنترل و نظارت، امر به معروف و نهی از منکر، اخلاق حسنه، تعقل و تقوا می باشد که به دنبال کاربست این راهبردها، پیامدهایی همانند: اطاعت پذیری، پایبندی به قوانین، رعایت حقوق انسان ها، امنیت و همزیستی مسالمت آمیز تجلی پیدا می-کند.

کلیدواژه ها: امام سجاد (علیه السلام)، صحیفه سجادیه، جامعه اسلامی، داده بنیاد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹

\*نویسنده مسئول: Mirian.M@gmail.com

## مقدمه

بدون تردید همه افراد بشر دارای فطرتی پاک هستند (روم/۳۱) و از زندگی اجتماعی برخوردارند و به تعبیر قرآن، امتی واحدند. (بقره/۲۱۳) در این راستا آدمی در پی آن است که به همنوعان خود ببیوندد تا زندگی‌اش نظام یابد. در واقع انسان به تنهایی قادر نیست که از مراحل زندگی سخت دنیایی بگذرد، از این رو ناگزیر به تشکیل جامعه می‌باشد. دستیابی به جامعه‌ای مطلوب که انسان را به سعادت برساند، همواره اندیشمندان را به ترسیم آرمان شهرهایی واداشته است. در این میان، ترسیم جامعه‌ای مطلوب که منشأ و حیاتی داشته و به دور از خیال و قابل تحقق باشد، ضروری به نظر می‌رسد.

یکی از مسئولیت‌های مهم انبیای الهی به اذن و فرمان خداوند، دعوت مردم به پاسخ‌گویی به ندای توحیدی فطرت خویش از یک سو و حل اختلافات غیرطبیعی آن‌ها از طریق اجرای حدود الهی و آزادسازی انسان‌ها از غل و زنجیرهای خرافات، عادات و رسوم غلط، جهل و نادانی، قوانین نادرست، اسارت و استبداد در چنگال طاغوتیان و زندگی ناهنجار طبقاتی و در یک کلمه، «جامعه‌سازی» بوده است. ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نیز هر یک شمع در دوری تاریکی از حیات بشری بودند که در برپایی جامعه زمان خویش نهایت تلاش را مبذول داشته‌اند. در این راستا هر یک از آن‌ها به نحوی ظهور پیدا کردند و در زمان خود راهبردی خاص به مسلمین، بلکه بشریت عرضه داشتند. ظهور امام سجاد (علیه‌السلام) به شکل دعا و نیایش بوده و آن حضرت با زبان دعا در مسجد و خانه‌ی خود، جامعه آن روز را احیا نموده و تلاش داشته تا افراد جامعه را تربیت و پرورش دهد. با توجه به اینکه اکثریت جامعه‌ی آن روز، به فساد و ملتزم‌نبودن به دستورهای نورانی اسلام دچار بودند، امام سجاد (علیه‌السلام) برای آن که جامعه را به سوی منابع اصلی دین و هدایتگران اصیل، یعنی اهل بیت (علیهم‌السلام) دعوت کند، تلاش کرد تا در قالب دعا تعالیم لازم را به همگان عرضه کند. صحیفه سجادیه حاصل این تلاش مهم است که امام سجاد (علیه‌السلام) توانست به وسیله آن به هدف خود برسد و اخلاق جامعه را تغییر داده و مسیر جامعه را به اسلام بازگرداند. تأسیس مکتب دعا توسط آن حضرت، به ویژه با بارش صحیفه سجادیه از وجود ایشان فقط برای خطرستیزی، نبست شکنی و طرح‌ریزی حکومت دینی شیعی نبود، بلکه برای تحقق امر مهمی همچون «جامعه‌سازی» بوده است. لازم به ذکر است مراد از جامعه‌سازی؛ تنها جمع کردن عده‌ای از انسان‌ها در یک محیط نمی‌باشد، بلکه مراد از جامعه‌سازی در این تحقیق، شناسایی آن دسته از عوامل و الزاماتی است که می‌توانند منجر به اصلاح و احیای یک جامعه با فرهنگ غنی دین اسلام و کاربست راهکارهایی است که بتوان جامعه را به شیوه‌ای مطلوب؛ آن سان که خداوند در نظر دارد، پایه‌ریزی نمود. امام با آگاهی از این امر که جامعه‌سازی در گرو تربیت یکایک افراد آن جامعه است، بنا به شرایط، به ابعاد فردی و اجتماعی جامعه نظر داشته و مضامین دعای خود را در باب موضوعات مختلف و حتی گاهی در حق خود بیان نموده، اما مراد از آن را برای گوشزد نمودن به

این موضوع پیگیری نموده و الگو و مدلی کاربردی فراروی محققان و مخاطبان خویش قرار دهد.

#### آشنایی با مفاهیم تحقیق

##### جامعه

از نظر لغوی، واژه «جامعه» اسم فاعل مؤنث از مصدر «جمع» به معنای گردآورنده، فراهم کننده و جمع کننده می باشد (۱) و برای جماعتی از مردم به کار می رود. (۲) در اصطلاح نیز به مجموع انسان هایی که روابط گوناگون مشترک، متقابل و نسبتاً پایداری آن ها را به هم پیوند می دهد و هدف واحدی آنان را گرد هم آورده است، گفته می شود (۳) و یا «مجموعه ای از افراد انسانی که با نظامات و آداب و سنن و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند، جامعه را تشکیل می دهد» (۴) بنابراین جامعه، انبوهی از انسان ها هستند که در چهارچوب قوانین و شیوه های خاص و آرمان های خویش، به هم پیوند داده شده و با نوعی نظام و حکومت و استقلال با هم زندگی گروهی داشته و دارای سرنوشت مشترک اند.

##### واژگان هم نظیر با جامعه

اجتماع: اجتماع ضد افتراق و جدایی و به معنای تجمع قوم آمده است. (۲) و به گروهی اطلاق می شود که با هم ائتلاف و ارتباط برقرار می کنند تا برای تحقق اهداف و غایات فطری و ضروری خود در مجموعه ای منسجم، با هم تعاون و همکاری نمایند. (۵)  
شعب: این کلمه که جمع آن شعوب است، به معنای انشعابی از قبائل عرب، می باشد. راغب اصفهانی در کتاب مفردات قرآنی خود در شرح کلمه «الشَّعْب» آن را قبیله ای منشعب یافته از حی و جمع آن را شعوب می داند و در شرحی که از مشتقات این واژه می دهد، آن را از اضداد به معنی «تفرق» و «اجتماع» می گیرد. (۶)  
امت: در مفردات الفاظ قرآن لفظ «الامة» به تمام گروه ها و جماعتی که به خاطر کاری و هدفی مجتمع می شوند، اطلاق می گردد. و به معنی جمعی است که جهت واحد دارند و منظور جماعتی است که افراد آن دارای یک مقصد و یک هدف باشند و برای این مقصد واحد، رابطه واحدی میان افراد برقرار باشد (۷)  
حزب: این کلمه، به معنای جمعی از مردم است که در کاری با یکدیگر مشارکت و تعاون می کنند و حزب مرد به معنای جماعتی که وی را برگزیده و او را در امور، کمک و تقویت می کنند، می باشد. (۸) در اصطلاح، یاران یک فرد هستند که با او هم عقیده اند و گروهی هستند که برای امور حزبی و گروهی خود اجتماع می کنند. (۹)

قریه: قریه در لغت به معنای اجتماع مردمی است. به معنی تجمع و تشکل است، و دلالت می کند به تجمع و تشکل ساختمان ها یا افراد که به طور منظم صورت بگیرد، کم باشد یا زیاد (۱۰)  
در یک نگاه کلی به واژگان مترادف واژه «جامعه»، مفاهیمی را می توان یافت که گرچه هر یک معنای ویژه خود را دارد و حاکی از واقعیتی خاص است، اما ناظر به جمع و گروه است.

تمامی اعضای جامعه در نظر گرفته است. آن حضرت در برخی بیانات خود از صفات الهی نام برده تا انسان ها با تخلق جمعی بدین صفات، وجود انسانی خویش را به عنوان خلیفه الله و جانشین خداوند روی زمین آراسته نماید. گاهی نیز از جامعه زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اصحاب آن حضرت یاد نموده تا موجب تنبه و آگاهی جامعه زمان خویش گردد.

باید در نظر داشت که ما در هر زمانی که باشیم نیاز به الگویی بر اساس مبانی دینی داریم و سیره و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) اصول مسلم ثابت است و مهم این است که با ادبیات امروز تبیین شود و در جامعه امروز بتوانیم آن را کاربردی کنیم. با توجه به اینکه ما در دومین گام از مرحله انقلاب اسلامی هستیم، و از طرفی صحیفه سجادیه شامل مضامین معتبر و آموزنده ای برای جامعه سازی می باشد، شایسته است که به مؤلفه های جامعه سازی در این کتاب ارزشمند نزدیک شویم؛ چرا که صحیفه سجادیه «جامعه ساز» است و اخلاق و معنویت جامعه را که اصلی ترین رکن تمدن اسلامی است، تقویت کرده و از انحراف و انحطاط جلوگیری می کند. ادعیه موجود در این کتاب، درباره همه موضوعاتی است که انسان در یک زندگی بیدار و هوشمندانه باید به آن توجه کند. امام (علیه السلام)، انگیزه های یک زندگی اسلامی را در ذهن مردم بیدار و زنده می کند تا اصلاح جامعه آغاز گردد.

آنچه در پی می آید، نگرش کوتاهی است به برخی از تلاش های اساسی جامعه سازی امام سجاد (علیه السلام) که در کتاب صحیفه سجادیه تدوین شده و نگارنده بنا دارد با استفاده از روش داده بنیاد آن ها را شناسایی و تبیین نماید.

#### پیشینه تحقیق

بر اساس جستجوهای صورت گرفته، در برخی تحقیقات به بررسی ابعاد تربیتی و اجتماعی صحیفه سجادیه و در برخی دیگر به بررسی مسئله جامعه سازی مبتنی بر قرآن و سیره نبوی پرداخته است. رحمت اله مرزوقی در مقاله «انسان و تربیت از منظر صحیفه سجادیه»، ضمن بررسی ویژگی های انسان از منظر صحیفه سجادیه، دلالت های آن برای تعلیم و تربیت را مشخص کرده تا از این طریق، زمینه های بیشتری برای بررسی مبانی تربیت دینی و تدوین «نظریه تعلیم و تربیت اسلامی» فراهم گردد. علی محمدی آشنایی در مقاله «جامعه سازی دینی در سیره نبوی»، ضمن اشاره به آموزه های جامعه ساز در آیات قرآن و روایات، هفت اصل از آن آموزه ها را به تفصیل بررسی نموده است. رضا شکرانی و هادی سلیمی در مقاله «بررسی جامعه سازی قرآن در بستر تاریخی نزول»، بر آن شده تا آیات اجتماعی قرآن طبق روایات معتبر ترتیب نزول تنظیم شود و مراحل مختلف شکل گیری جامعه آرمانی مد نظر قرآن کشف شود. با وجود تحقیق های صورت گرفته، در هیچ یک از پژوهش های پیشین به بررسی دقیق و جامع مسئله جامعه سازی از منظر صحیفه سجادیه پرداخته نشده است. پژوهش حاضر در نظر دارد تا با روش داده بنیاد، پس از بررسی صحیفه سجادیه، نگاه امام سجاد (علیه السلام) را پیرامون

صحیفه سجّادیه

«صحیفهٔ سجّادیه»، از نخستین کتاب‌هایی است که در سدهٔ آغازین ظهور اسلام، به بیان و بنان امام معصوم (علیه‌السلام) تألیف و تصنیف گردیده و بدین سبب در شمار امّهات تراث حدیثی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) قرار دارد. گفته شده امام زین العابدین (علیه‌السلام) آن را املاء نمودند و امام محمد باقر (علیه‌السلام) و برادرش زید بن علی آن را در دو نسخه نوشته‌اند و از کتب مشهور و متواتر است و نیازی به سند ندارد؛ چرا که مضامین و محتوای عالی آن برای کسی تردید باقی نمی‌گذارد که این کتاب از امام سجّاد (علیه‌السلام) و از معجزات قولی آن حضرت به شمار می‌آید و چنین کلامی از غیر ائمه (علیهم‌السلام) صادر نشده، با این حال محققان بررسی‌های ارزنده‌ای در مورد سند آن انجام داده و اذعان داشته‌اند: صحیفه سجّادیه از نظر سندی، در حد تواتر است. آقابزرگ تهرانی در این باره می‌گوید: «صحیفه اولی که سند آن به امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) می‌رسد... از متواترات و [قطعیات] نزد اصحاب است؛ چرا که از ویژگی آن، این است [که تمام اصحاب از اساتید خود] اجازه نقل آن را در تمام طبقات [رجالی] و در تمام عصرها گرفته‌اند» (۱۱). لازم به ذکر است صحیفه سجّادیه، فقط شامل راز و نیاز با خدا و بیان حاجت در پیشگاه وی نیست؛ بلکه دریای بی‌کرانی از علوم و معارف اسلامی است که طی آن مسایل عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و پاره‌ای از قوانین طبیعی و علمی و پزشکی و احکام شرعی در قالب دعا مطرح شده است.

#### مواد و روش‌ها

روش این پژوهش بر اساس روش داده‌بنیاد شکل گرفته است. نظریه‌پردازی داده بنیاد روشی نظاممند و کیفی برای خلق نظریه‌ای است که در سطحی وسیع به تبیین فرآیند و کنش متقابل موضوعی با هویت مشخص می‌پردازد (۱۲) و یک روش دقیق برای شناسایی طبقات و سازه‌هایی که از متن پدید می‌آید فراهم می‌کند. «نظریه‌پردازی داده بنیاد» به کلی، رهیافتی است برای بررسی نظام‌مند داده‌های کیفی (نظیر مصاحبه‌های پیاده شده و پروتکل‌های مشاهده‌ها)، با هدف تولید نظریه (۱۳) بر همین اساس، داده‌ها در پژوهش حاضر با بررسی ادعیه صحیفه سجّادیه، جمع‌آوری شده است. تفسیر متن صحیفه سجّادیه براساس روش تحلیل تفسیری استراوس و کرین انجام شد و کدگذاری نیز در سه سطح کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام گرفت. در کدگذاری باز، مفاهیم طی بررسی سطر به سطر صحیفه مشخص شد. پس از کدگذاری اولیه متن صحیفه، مفاهیم در قالب مقوله‌هایی طبقه‌بندی شده و با کدگذاری گزینشی یکپارچه و به مدل پارادیمی تبدیل شدند.

#### یافته‌ها

مقوله محوری

با توجه به موضوع مقاله، تشکیل جامعهٔ اسلامی به عنوان مقولهٔ محوری انتخاب شد تا شبکه‌ای از روابط حول آن شکل بگیرد.

«جامعه اسلامی، از دیدگاه امام سجّاد (علیه‌السلام)، جامعه‌ای است که در آن روابط انسانی در درون نهادهای اجتماعی بر اساس ارزش‌های الهی شکل می‌گیرد و حرکت در مسیر بندگی خداوند، مهم‌ترین ویژگی این جامعه می‌باشد» (۱۴). در عصر امامت امام زین العابدین (علیه‌السلام) جامعه اسلامی در یک بحران فکری و عقیدتی وحشت‌زا فرو رفته بود. بی‌تردید از پیش عوامل مختلفی در این بحران نقش داشتند، امام سجّاد (علیه‌السلام) در راستای هدف بزرگ الهی خود که هدایت و رهبری جامعه اسلامی می‌باشد، در مقابل این انحرافات سکوت اختیار نکرد و با توجه به شرایط و اوضاع حاکم بر جامعه به مبارزه علیه این انحرافات پرداخت و در قالب دعا به احیای جامعه اسلامی آن روز همت گمارد.

مقوله علی

در این مدل پارادیمی منظور از شرایط علی، شرایطی است که پدیده محوری را به وجود می‌آورد. (۱۵) توحید شرط علی تشکیل جامعهٔ اسلامی از منظر امام سجّاد (علیه‌السلام) می‌باشد. در واقع «بزرگ‌ترین رسالت توحید در بنای جامعهٔ توحیدی است» (۱۶) انسان بر اساس نوع نگرش خود، در بستر تاریخ حرکت می‌کند و مسیر خود را انتخاب می‌نماید؛ لذا نوع نگرش انسان، در ساخت جامعه اهمیت دارد. از نگاه صحیفه سجّادیه در جامعه‌سازی داشتن نگرشی توحیدی امری مهم و مقوله علی است. مراد از نگرش توحیدی آن است که؛ جامعه‌ای بر مبنای توحید، بنا و ایجاد گردد و در کلیهٔ کنش‌ها و اقدامات خود با تکیه بر خدا و خالق هستی به پیش رود، تمام اقداماتش را در ارتباط با خداوند و در نظر گرفتن رضای او انجام می‌دهد و ملاحظات دیگر را کنار می‌گذارد. امام سجّاد (علیه‌السلام) در یکی از دعا‌های صحیفه سجّادیه، سخن از اراده الهی نموده: «و تَضَمَّنَا مَشِيَتِكَ» (۱۷)؛ و اراده توست که ما را جمع می‌کند و یا: «و مَضَّتْ عَلَيَّ إِرَادَتَكَ الْأَشْيَاءُ»؛ و اشیاء بر وفق اراده تو تحقق یافته‌اند. نگاه امام در این فراز با نگاه توحیدی آمیخته شده است. در شرح این فراز آمده: خداوند نوع بشر را جمع و منظم نموده و چون فرد از عهده اصلاح امور معاش خود بر نمی‌آید که به انفراد بتواند امور خود را انجام داده و سلب احتیاج از خود بنمایند، لهذا حکیم علی‌الاطلاق به حکمت بالغه، آن‌ها را مدنی خلق فرموده که در بلدان و مداین و در برابری در مواضع معینه اجتماع نمایند، تا هر فردی از آن‌ها کاری نموده و معاون یکدیگر باشند، تا سلب حاجت هم را به انضمام از خود بکنند، از فلاح و زراعت و حصادت، و سایر صنایع در تحصیل ملبوس و مطعوم، و ... تا آن که امر معیشت تمام به انجام رسد. (۱۸) در اندیشه امام، خداوند در جایگاه ربوبیت عالم قرار داشته و هیچ کاری بدون اراده و مشیت او انجام نمی‌گیرد؛ بنابراین در این چهارچوب، یکی از ارکان موفقیت انسان در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی وی، کمک اوست؛ استمداد از خداوند به انسان انرژی داده و به وی کمک می‌کند که با تکیه به نیروی او به پیشرفت جامعه خود ادامه دهد. آن حضرت هنگامی که از امت سازی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سخن به میان می‌آورد، اعلام می‌دارد که پیامبر در این امر تکیه به یاری خداوند

خدمت تن می‌نگرند و برخی دیگر آرمانشان انسانی و خدایی و این جهانی و آن جهانی است. اینان هم در اندیشه دنیای شایسته و مطلوب و ارزش‌های مادی و غنا و بی‌نیازی‌اند و هم در اندیشه توحیدگرایی، تقوایشگی، عدالت، آزادی به مفهوم راستین آن، تا ارزش‌های مادی و نیروی جسمی تحت حاکمیت خرد و اندیشه باشند و انسان از ظلمات به سوی نور و از استبداد و حقارت دنباله‌روی و واپسگرایی به اوج آزادی و شکوه و استقلال و ابتکار پر کشد. نظر به نقش حیاتی آرمان‌های توحیدی در تعالی و پیشرفت جوامع، امام سجاد (علیه‌السلام) نیز در متون دعایی خویش این حقیقت را یادآور گشته است. از مهم‌ترین عناصر دشمن‌ستیزی، تربیت سیاسی و برپا کردن حکومت داشتن آرمان متعالی سیاسی است. حضرت در خلال ادعیه‌های متعددی برای پیروان خود، بلکه مسلمین به تبیین آرمان می‌پردازد. بدیهی است این آرمان‌ها موجب پدید آمدن دشمنی‌های متعدد می‌شود و مهم‌تر اینکه دنبال کردن این نوع آرمان‌ها که حضرت بیان می‌کند جز در پرتو دایره کردن حکومت اسلامی غیر ممکن است. مثلاً در دعا برای سپاه اسلام آرمان و نقطه نهائی حرکت را نشان می‌دهند که عبارت است از حاکمیت توحید بر تمام جوامع و نقاط زمین بدون هیچ استثنائی و کرنش و سجده تمام آدمیان روی زمین فقط برای خداوند متعال است: «حَتَّى لَا يُعْبَدَ فِي بَقَاعِ الْأَرْضِ غَيْرُكَ، وَلَا تُعَفَّرَ لِحَدَمِنَهُمْ جِهَةٌ دُونَكَ» تا که در سراسر زمین جز تو پرستش نشود، و احدی از آنان جز برای تو صورت به زمین نساید. «برای رسیدن به این آرمان بدیهی است که مسلمین در هر گوشه‌ای از دنیا با مشرکان درگیر خواهند شد. و در این کارزار دائمی فقط نصرت الهی آنان را به آن آرمان نزدیک می‌سازد» (۲۰) از این فرمایش امام (علیه‌السلام) نکته مهمی استفاده می‌شود: نابودی کافران زمینه‌ساز جامعه توحیدی است، جنگ با دشمنان خدا و یکتاپرستی، جنگ با طاغوت و الحاد است و به جامعه توحیدی و خداپرستی کمک شایان می‌کند. و این آرمان مقدسی است که در برپایی یک جامعه مدنظر امام کمک می‌نماید.

فطرت انسانی: انسان به گونه‌ای آفریده شده که فطرتاً خواهان زندگی اجتماعی است. به بیان دیگر در نهاد و سرشت انسان گرایش به حیات اجتماعی نهفته است، نه آن که عواملی خارج از ذات انسان او را وادار سازد تا به قید و بندهای زندگی اجتماعی تن در دهد. زندگی اجتماعی انسان از فطرت انسانی وی جدا نبوده و انسان فطرتاً تمایل با انس و در کنار هم بودن با سایر انسان‌ها در قالب یک جامعه را دارد. امام سجاد (علیه‌السلام) می‌فرماید: «هَبْ لِي الْأَنْسَ بَكَ وَ بَأَوْلِيَانِكَ وَ أَهْلَ طَاعَتِكَ» انس و جوشش با دوستان و اهل طاعتت را نصیبم فرما. دو خصلت وحشت و انس، از خصایل ذاتی انسان هستند و در شخصیت ناخودآگاه هر کسی هستند وجه نام‌گذاری انسان به خاطر زیادی انس او، و به جهت آن است که آفرینش او به گونه‌ای است که قوام زندگی او با انس با انسان‌های دیگر است؛ از این رو انسان مدنی بالطبع می‌باشد پس به طور کلی انسان، موجودی گریزان و وحشی نیست، بلکه انس گرفتن یکی از نیازهای درونی و فطری اوست. در ادامه این فراز، امام این گونه دعا می‌کند: «اجْعَلْ سَكُونَ قَلْبِي وَ أَنْسَ نَفْسِي وَ

داشته است و این همان اعتقاد و التزام به توحید است: «فَنَهَدَ إِلَيْهِمْ مُسْتَفْتَحاً بَعُونَكَ، وَ مَتَقَوِيّاً عَلَى ضَعْفِهِ بِنَصْرِكَ»؛ از تو یاری طلبید و تو یاری‌اش کردی تا اینکه با نیروی تو به جنگ با دشمنانت اقدام نمود. مطالعه آیات قرآن (ضحی/۶) و نیز احادیث و تاریخ اسلام (۱۹) حاکی از آن است که پیامبر اکرم (ص) نه تنها همواره از امدادهای غیبی و حمایت‌ها و عنایت‌های ویژه الهی بهره‌مند بود، بلکه زیر نظر مستقیم خداوند تربیت شد و با کمک‌های بی‌واسطه او، بار مسئولیتی دشوار را با موفقیت به منزل رساند.

مقوله زمینهای

در نظریه داده بنیاد، مقوله‌ی زمینهای، عواملی هستند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند و نتایج حاصل از به کارگیری راهبردها، پیامدها را تشکیل می‌دهند. بر همین اساس وجود رهبری، آرمان-خواهی و فطرت انسانی به عنوان مقوله‌ی زمینیه در تعالیم امام سجاد (علیه‌السلام) شناسایی شدند که توضیح این مقوله‌ها در ادامه توضیح داده می‌شود:

وجود رهبری: رهبری در اسلام از اهمیت و جایگاه مهمی برخوردار است که اصول و ویژگی‌های خاصی برای آن وجود دارد. دین اسلام بر امر رهبری و مدیریت جامعه تأکید زیادی دارد و پیامبران و امامان (علیهم‌السلام) و اولوالامر را رهبر اجتماع در تمام امور معرفی کرده است. امامت و رهبری ضامن تحقق و تداوم اسلام ناب و آرمان‌های این آیین، بلکه همه ادیان راستین الهی است و از این نظر، مسأله رهبری از اساسی‌ترین اصول اعتقادی، سیاسی و اجتماعی اسلام و رمز حیات و بالندگی همه جوامع توحیدی است. با توجه به همین امر امام سجاد (علیه‌السلام) نیز در دعاهای خویش در صحیفه سجاده، وجود رهبر را یکی از الزامات جامعه‌سازی دانسته و فرموده است: «أَرْسَلْتُ فِيهِ رَسُولًا وَ أَقَمْتُ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنِّ أَدَمَ إِلَيَّ مُحَمَّدٌ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ أُمَّةٍ أَلْهَدِي، وَ قَادَةَ أَهْلِ التَّقَى - عَلَى جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ»؛ بارالها برای مردم هر زمان پیامبرانی فرستادی و بر هر کدام آن‌ها اقامه دلیل کردی از زمان آدم تا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) که همگی رهبران هدایت و پرهیزکاری بودند. در جامعه اسلامی امروز، رهبر رکن است و اوست که بار سنگین انبیا و رسولان بزرگ الهی را در جامعه به دوش می‌کشد. در روند میثاقی که خداوند از او گرفته در برابر نابرابری‌های حاصل از ستم و تجاوز صاحبان زر و زور و تزویر مقاومت می‌کند و در ظرف اندیشه‌ی او علاوه بر تمامی اصول و راهبردهای رهبری الهی، ایجاد اتحاد و انسجام اسلامی، یا به عبارتی تشکیل امت واحده‌ی اسلامی حائز اهمیت است.

آرمان‌خواهی: هر جامعه‌ای دارای هدف و آرمان است و از کرانه‌های دور تاریخ انسان تاکنون، جامعه‌ای بدون هدف و آرمان بر کره خاکی نزیسته است. تنها چیزی که هست تفاوت و گاه تضاد آرمان‌ها و هدف‌هاست. برخی جامعه‌ها هدف و آرمانشان این جهانی و مادی است و در اندیشه آب و نان، مسکن و بهداشت، لذت‌جویی و خواسته‌های جسم‌اند و اگر هم از ارزش‌ها و حقوق و مقررات دم می‌زنند، یا بدان حساسیت نشان می‌دهند، همه را در

اَسْتَعْنَائِي وَ كَفَايَتِي بَكَ وَ بَخْبَارِ خَلْقِكَ»؛ آرامش دلم و الفت جانم و بی‌نیازی و کفایتیم را به خودت و بندگان خوبت اختصاص بده. انسان موجودی است نیازمند، و به هر چیزی که احساس می‌کند نیازی از نیازهایش را رفع می‌کند، راغب می‌باشد. اما رغبت و گرایش در انسان مانند «تیغ دو بر» است: اگر روند رغبت‌ها در بستر غریزه قرار گیرد و نسبت به روح فطرت با بی‌اعتنائی جاری شود، انسان را حیوان، بلکه پست‌تر از آن می‌کند. و اگر رغبت‌ها تحت مدیریت روح فطرت قرار گیرد، انسان در مسیر انسانیت قرار می‌گیرد. از آنجایی که انسان مدنی بالطبع است، نیاز به جامعه‌ای دارد تا با ایشان انس گرفته و از غم‌ها و سختی‌ها رهایی یابد و استعدادهای نهفته‌اش را به فعلیت برساند، این انس و جوش با دیگران به عنوان یک نیاز فطری نهادینه شده و از عواملی است که زمینه‌ساز جامعه می‌گردد.

#### مقوله مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر، شرایط وسیع و عامی است که به عنوان تسهیل‌گر یا محدودکننده راهبردها عمل می‌کند. این شرایط، اجرای راهبردها را تسهیل و تسریع کرده و یا به عنوان یک مانع، دچار تاخیر می‌نمایند. از منظر امام سجاد (علیه‌السلام)، جهل و گمراهی، انحرافات رفتاری، هوای نفس و تعصب‌گرایی به عنوان شرایط مداخله‌گر - موانع - شناخته شدند.

جهل و گمراهی: جهل و نادانی یکی از مؤلفه‌هایی است که مانع رشد و تکامل انسان می‌شود و به همین دلیل است که اسلام نسبت به جهل و نادانی هشدارهای زیادی داده است. به همین جهت امام سجاد (علیه‌السلام) در میان دعاهای خود از خطر جهل و نادانی به خداوند پناه می‌برد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ جَهْلِي» پروردگارا درباره نادانی خویش از تو معذرت می‌خواهم. مراد از جهل در این جا آن چیزی است که بدون تفکر در عاقبت آن، دعوت به ارتکاب گناه می‌کند (۲۱). در بخش دیگری امام آورده: «لَا تَذَرْنِي فِي طُغْيَانِي عَامَهَا، وَ لَا فِي غَمْرَتِي سَاهِبًا حَتَّى حِينٍ؛ خداوند مرا در مدتی طولانی در طغیان و سرکشی و سرگردانی در نادانیم وامگذار. راغب می‌نویسد: «الغمره معظم الماء الساترة لمقرها و جعل مثلاً للجهالة التي يغمر صاحبها» غمره به آب زیاد گویند که جایگاه خود را پوشانده است و تمثیلی از نادانی و جهالتی است که فرد را در خود فرو می‌برد. جهل بزرگترین دشمن انسان است که به جامعه بشری ضربه زده و آن را از اهدافش جدا کرده است. جهل و نادانی، هر چه گسترده شود، انسان را از هویت، شخصیت و حیات علمی، معنوی و انسانی دور می‌کند.

انحرافات رفتاری: صحیفه سجادیه بیانگر آن است که امام به پاره ای از انحرافات رفتاری توجه داشته و آن را مانعی بر سر راه حیات اجتماعی انسان و در نهایت جامعه سازی دانسته است. هر یک از این انحرافات موجب می‌گردد تا روابط اجتماعی به درستی شکل نگیرد و در نهایت مسیر جامعه سازی به درستی طی نگردد. از این روست که امام سجاد (علیه‌السلام) در دعاهای خود از آسیب حرص و طمع به خداوند پناه می‌برد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ

مِنْ هَيْجَانِ الْحَرَصِ» خداوند! به تو پناه می‌برم از هیجان حرص. و یا: «و هَلَعَ أَهْلَ الْحَرَصِ» مرا از حرص اهل حرص حفظ فرما.

از دیگر انحرافات رفتاری مطروح صحیفه سجادیه، فخر فروشی می‌باشد. رفتارها و تعاملات فخر فروشانه از جمله موانعی است که در جامعه‌سازی تأثیر منفی داشته و قدمتی به گستره‌ی تاریخ بشر دارد. خطر این انحراف تا بدان جاست که امام سجاد (علیه‌السلام) در یکی از دعاهای خود این گونه می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... وَ مِبَاهَاةِ الْمُكْتَرِينَ، وَ الْأَزْرَاءِ بِالْمَقْلِينَ، وَ سَوْءِ الْوَالِيَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا» خدایا! به تو پناه می‌برم از ... از فخر فروشی ثروتمندان و خوار شمردن فقرا و بدر رفتاری نسبت به آن‌هایی که پایین دست ما هستند. یکی دیگر از انحرافات رفتاری که نه تنها در میان علمای اخلاق معروف و مشهور است، بلکه در میان توده‌های مردم نیز از جمله صفات زشت شناخته شده می‌باشد، تکبر است. تکبر و خودبرتربینی؛ گاه انسان را در برابر خدا و پیامبران و فرستادگان الهی به تمرد و سرکشی می‌کشاند و گاه او را در میان هم‌نوعان و بندگان خدا به برتری‌جویی وا می‌دارد. از بلاهای مهمی که بر سر متکبران وارد می‌شود انزوای اجتماعی و پراکندگی مردم از اطراف آنها است، چراکه شرف هیچ انسانی اجازه نمی‌دهد تسلیم برتری‌جویی‌های افراد متکبر شود، به همین دلیل نزدیک‌ترین دوستان و بستگان از آن‌ها فاصله می‌گیرند و اگر به حکم الزام‌های اجتماعی مجبور باشند با آنان زندگی کنند، ولی در دل از آنان متنفرند! از این روی امام سجاد از خداوند دوری از تکبر را طلب می‌کند: «وَ لَا تَبْتَلِنِي بِالْكِبْرِ» به کبر و بزرگ‌منشی مبتلایم مکن.

هوای نفس: غرایز و احساسات مایه بقای زندگی انسانند به طوری که اگر از زندگی انسان حذف گردند، انسان به نابودی کشیده می‌شود. با این حال باید توجه داشت که اگر این غرایز تعدیل نشوند و حد و مرزی برای آن‌ها مشخص نگردد، و انسان بازیچه غرایز سیری‌ناپذیر خویش قرار گیرد، به سوی نابودی قدم بر می‌دارد. در حقیقت هوی و هوس همان غرایز و احساسات حیوانی است که اگر از طریق معقولی محدود گردد، مایه بقای زندگی انسان است و اگر لجام گسیخته گردد انسانیت انسان و در نهایت جامعه انسانی را نابود می‌کند. به دنبال این امر کیان جامعه به خطر افتاده و شکل‌گیری آن بر اساس ضوابط و قوانین الهی دچار نقصان خواهد شد. بنابراین هوای نفس از جمله موانعی است که بر سر راه جامعه‌سازی قد علم می‌کند. هوای نفسانی انسان را وادار به انتخابی اشتباه می‌نماید که اثرات آن در ابعاد فردی و اجتماعی بروز می‌یابد. در همین راستا امام سجاد (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وَ لَا تُخَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نَفْسِنَا وَ اخْتِيَارِهَا، فَإِنَّهَا مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ»؛ در آن هنگام نفس‌های ما را به خودشان وا نگذار؛ زیرا که همواره نفس‌های ما باطل را انتخاب می‌کنند.

امام سجاد (علیه‌السلام) نخست یاد آور می‌شود که آدمی در صحنه زندگی همیشه با دوره‌هایی مواجه می‌شود که یک راه در بردارنده خشنودی خداوند و دیگری موجب ناخشنودی اوست. امام به ما تعلیم داده است که در چنین مواردی از خدا بخواهید که شما را در انتخاب راه صحیح یاری دهد؛ زیرا اگر در چنین

امام سجاد (علیه السلام) را نیز این نکته را خاطر نشان نموده و می-فرماید: «يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ» ای خدایی که هیچ چیز در زمین و آسمان از دیدش پنهان نیست. و یا: «يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَطَلِّمِينَ، وَيَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِي قَضَائِهِمْ إِلَيَّ شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ» (همان، دعای ۱۴، فرازا ۱)؛ ای خدایی که اخبار ستم دیدگان بر او پنهان نیست و ای آن که درباره آن چه بر مظلومین گذشته نیاز به شاهد ندارد. بدیهی است کسی که موجودات را آفریده و لطیف ترین مسائل ایشان را تدبیر نموده، از دقیق ترین اسرار او باخبر و نسبت به همه چیز، عالم و ناظر است و به این نکته باید توجه داشته باشیم که خلقت خداوند دائمی است؛ یعنی لحظه به لحظه فیض وجود از ناحیه او به مخلوقات می رسد و همین پیوند دائمی و خلقت مستمر، بهترین دلیل بر نظارت و علم خداوند نسبت به اسرار همه موجودات از جمله انسان در هر زمان و مکان است.

امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر، راهکاری عملی است که در دین از جایگاه ویژه ای برخوردار است و بر آن تأکید فراوانی شده است. مسأله امر به معروف و نهی از منکر در میان نباشد، عوامل مختلفی که دشمن بقای وحدت امت هستند، همچون موریانه از درون، ریشه های امت را می خورند، و آن را از هم متلاشی می سازند. از این روی، امام سجاد (علیه السلام) در دعاهای خویش از این راهکار نام برده است. آن جا که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از این راهکار استفاده می نمود: «وَسَلِّمْ بِاللَّيْلِ لِلْأَهْلِ دَعْوَتَكَ»؛ به نصیحت و اندرز آنهایی مشغول شد که به راه راست دعوتشان کرده ای. امام سجاد (علیه السلام) این دعای شریف را می خواند که در آن کوششهای جدش رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و دشواریهایی را که آن حضرت در راه دعوت اسلامی و اعتلای کلمه الله در روی زمین شاهد بوده، بیان کرده است. آنچه را که به جرأت می توان ادعا کرد این است که در سیره پیامبر بیشترین و مهم ترین کارکرد تربیتی را «امر به معروف و نهی از منکر» داشته است و پیامبر هم در مراحل مختلف از روش و شیوه های امر به معروف و نهی از منکر برای تربیت انسان های جامعه استفاده می نموده است.

امام سجاد (علیه السلام) در مقابل انحرافات، چون: غلو، جبرگرایی، گروه های مشبهه، متصوِّفه و زاهدنمایان و علمای درباری به شیوه های مختلف به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل می کرد و این در حالی بود که در این دوره رسماً جلوی امر به معروف و نهی از منکر گرفته می شد. امام سجاد (علیه السلام) در بین دعاهای خود از خداوند می خواهد که او را جزو کسانی قرار دهد که دعوت کننده دیگران به راه درست هستند: «وَأَجْعَلْنِي ... مِنْ أَدْلَةِ الرَّشَادِ»؛ قرارم ده ... از راهنمایان به راه راست و درست. مسلم اینکه در نظر امام (علیه السلام) یکی از مصادیق مهم راهنمایی و اندرز دادن «امر به معروف و نهی از منکر» است.

اخلاق حسنه: بی تردید اخلاق، وجه تمایز انسان با حیوان است و خداوند فضایل اخلاقی و صفات ملکوتی را از آن انسان قرار داد و پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه و آله) فلسفه بعثت خود را «تتمیم مکارم اخلاق» بیان فرمود تا انسان بتواند خود را با

میدان هایی، خداوند شما را تنها گذارد، نفس اماره و خواهش های نفسانی شما را به سوی باطل خواهند کشید.

تعصب گرایی: واژه تعصب از لفظ عصب گرفته شده و به معنا و مفهوم آن است که شخص نسبت به چیزی واکنش های عاطفی و احساسی به دور از هر گونه معیار عقلانی و عقلایی داشته باشد امام سجاد (علیه السلام) در بین دعاهای خود عبارتی با این مضمون دارد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... وَ مَلَكَةِ الْحَمِيَةِ»؛ بار خدایا به تو پناه می آورم از ... تسلط حمیت جاهلی. حمیت در اصل از ماده «حَمَى» بر وزن حمد به معنی حرارتی است که از آتش یا خورشید یا بدن انسان و مانند آن به وجود می آید. و به حالت خشم و همچنین نخوت و تعصب خشم آلود نیز حمیت می گویند. (۲۲) این حالتی است که بر اثر جهل و کوتاهی فکر و انحطاط فرهنگی مخصوصاً در میان اقوام جاهلی، (و جوامع دچار جاهلیت قرن بیستم) فراوان است و سرچشمه بسیاری از جنگ ها و خونریزی های آنها می شود. به هر حال شک نیست که وجود چنین حالتی در فرد یا جامعه باعث عقب ماندگی و سقوط آن جامعه است، پرده های سنگینی بر عقل و فکر انسان می افکند و او را از درک صحیح و تشخیص سالم باز می دارد و گاه تمام مصالح او را به باد فنا می دهد.

#### راهبردها

«راهبردها به اقدامات اتخاذ شده جهت پاسخ به پدیده محوری اشاره دارند.» راهبردها در این مقاله، اصلاح سازی، کنترل و نظارت، امر به معروف و نهی از منکر، اخلاق حسنه، تعقل و تقوا می باشد.

اصلاح سازی: از آن جا که هر جامعه کم و بیش با مفاسد مختلف و اموری نظیر جرم، قتل، سرقت، خشونت، کم کاری، رشوه خواری، پارتی بازی، باندبازی، مفاسد اخلاقی و در کل به هم خوردن روحیه تعادل همواره مواجه بوده، از آن رنج می برد، اصلاحات یک نیاز اساسی و بنیادین و همیشگی است و هیچ فرد و جامعه ای (که خواهان رشد و کمال است) از آن بی نیاز نیست. در یکی از دعاهای امام سجاد (علیه السلام) این نکته مطرح شده است. آن جا که امام می فرماید: «وَأَسْتَصْلِحُنِي بِالْعَاقِبَةِ» به توسط عاقبت اصلاحم کن. «استصلحه» یعنی امام طلب اصلاحش را نموده است. درخواست امام در زمینه اصلاح نفس و سازندگی شخصیت الهی انسان است بر اساس آموزه های آن حضرت اصلاح جهان و برطرف کردن فساد از دریا و خشکی و نیز اصلاح جامعه متوقف بر اصلاح جان آدمی و تغییر در خود انسان است.

کنترل و نظارت: یکی از ضرورت ها و نیازهای اجتناب ناپذیر در یک جامعه سالم و کارآمد، وجود یک سیستم کامل و دقیق کنترل و نظارت است. به تصریح آموزه های اسلام، اولین ناظری که بر عملکرد انسان نظارت می کند، خداوند متعال است. خداوند متعال همواره و در همه حال ناظر و شاهد بر اعمال، رفتار و نیت انسان است و اگر انسان این حقیقت را همیشه در برابر چشم خویش قرار دهد و خدای سبحان را ناظر بر کارها، رفتارها و نیت های خود بداند، از هر گونه لغزش، خطا و خیانت در امان خواهد ماند.

نهفته در وجود آدمی که به واسطه آن، قادر به تشخیص و ادراک و وادارکننده انسان به نیکی و صلاح و بازدارنده او از شر و فساد است، هرگاه به عنوان قوه تدبیر زندگی و امور دنیایی به کار رود و به چاره‌اندیشی دربارهٔ معضلات و مشکلات زندگی بپردازد و در جهت تدابیر امور جاری حیات مادی و هماهنگ با قوانین شرعی و سازگار با آن‌ها باشد تا آدمی را به حیات معقول رهنمون کند، این نوع عقل را «عقل معاش» گویند. در توسعه و تحول جامعه، توجه به جایگاه و کارکرد عقل بر مبنای خردورزی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چرا عقل‌گرایی به عنوان روشی کارآمد، مؤثر و مترقی در تحول انسان و جامعه در ادوار گوناگون تاریخی مورد تأیید واقع شده است. نکته قابل ذکر اینکه درست است انسان این قدرت را دارد که درباره مسائل مختلف اندیشه کند، اما این اندیشه‌ها لزوماً حق و صواب نیست. به همین جهت امام در گوشه ای از دعاهای خود می‌فرماید: «رَأَيْتُ أَنْ طَلَبَ الْمُحْتَاجُ إِلَى الْمُحْتَاجِ سَفَهَ مِنْ رَأْيِهِ وَ ضَلَّهَ مِنْ عَقْلِهِ» دیدم که درخواست حاجت از کسی که خود محتاج است، سفاقت و گمراهی عقل است.

«در این صفحه زرین به خوبی میزان توجه امام (علیه‌السلام) به خدای تعالی احساس می‌شود که چگونه آن حضرت با تمام وجود و همه عواطفش متوجه خدا بوده و روی دلش را از غیر خدا و همه مخلوقات که خود محتاج به بخشش و عطای او هستند، بر تافته است؛ زیرا که امیدوار بودن و آرزو داشتن به غیر خدا از نادانی و کج اندیشی است.» گاهی انسان طلب از دیگری می‌کند، اما خدا را مصدر و سرچشمه می‌داند، اما گاهی سراغ دیگران می‌رود و آن‌ها را منشأ اثر می‌داند و خود که محتاج است از دیگری که او هم محتاج است، طلب می‌کند، این محتاج ممکن است فردی دیگر، یا جامعه و کشوری دیگر باشد، مسأله آن است که از کسی جز خدا طلب شده است، امام سجاد (علیه‌السلام) در این فراز به این مسأله اشاره کرده و این نکته مهم را گوشزد نموده که طلب از دیگری که در روابط جامعه بسیار اتفاق می‌افتد، گمراهی عقل است.

تقوا: یکی از اصول استثناء ناپذیر حاکم بر روابط اجتماعی در جامعه، «تقوا» است. امام سجاد (علیه‌السلام) در دعاهای خود از خداوند می‌خواهد که تقوا را به ایشان ارزانی دارد: «وَقْتِي مِنَ الْمُعَاصِي»؛ به خود نگهداری از گناه یاری‌ام فرما و یا: «اسْأَلُكَ بِنَا مِنْ التَّقِي»؛ ما را به راه تقوی سیر بده.

«امام سجاد (علیه‌السلام) با تعبیر کنایی دیگر درخواست فرموده که پرهیزگاری مطلق و بی‌نهایت به وی عطا فرماید. تقوا حالتی نفسانی، عقلانی است که انسان را در لغزنده‌ترین دام‌های ابلیس نگاه می‌دارد و این حالت نفسانی در مقابل فریب قرار دارد که به معنای فرور رفتن در جهل و گمراهی است و ضد رشد می‌باشد. تقوا متضمن آگاهی و مصونیت از لغزش و در نتیجه موفقیت و کامیابی است و شخص متقی در آن نقطه‌ای که لغزشگاه عموم افراد است، با صلابت و در اوج تعادل عبور می‌کند.» تقوا و پرهیزگاری، بنیاد هنجارها و رفتارهای درست و سالم اجتماعی است. جامعه‌ای اگر بخواهد از افراد سالم برخوردار باشد باید

بهره‌مندی از آن، از صفات نفسانی و رذایل شیطانی دور کرده و به مرتبه خلیفه‌اللهی و انسان کامل برساند. امام سجاد (علیه‌السلام) مظهر کامل و تمام مکارم اخلاق است. آن حضرت همان گونه که در عبادت و بندگی خداوند اهتمامی بسیار داشت، به گونه‌ای که در میان معصومان (علیهم‌السلام) به فضیلت زین‌العابدین و سجاد شناخته شده، همچنین در سیره اجتماعی‌اش چنان بود که به بزرگواری اخلاقی معروف شده است. حضرت در صحیفه سجاده‌یه از خداوند داشتن فضائل و اخلاق پسندیده را مسئلت می‌دارد: «هَبْ لَنَا حَسَنَ سَمَائِلِ الْأَبْرَارِ»؛ صفات پسندیده خوبان را به ما عطا فرما. این بخش دعا که از آثار تمسک به قرآن سخن می‌گوید، بیانگر آن است که امام یکی از آثار پیروی از قرآن را کسب صفات حمیده دانسته است. برخی در شرح این فراز گفته‌اند که: این صفات پسندیده ابرار یعنی؛ ما را به بندگان صالحت ملحق کن نماز خود را روز و شب به پای می‌دارند و از هر گونه آلودگی طهارت دارند. (۲۳) کسی که با قرآن مجید به خصوص در دل شب انس بگیرد، و به هنگام قرائت این منبع رحمت در آیاتش اندیشه کند، و در هماهنگ کردن وجود خویش با قرآن مجید بکوشد، و توفیق این همه برنامه‌ها را از حضرت محبوب بطلبد، بدون شک از خطرات شیطان و وسوس نفس در امان می‌رود و اعضا و جوارحش عمده قرآن کریم شده، از معاصی دور می‌مانند، و به اعمال شایسته و کردار پسندیده آراسته می‌گردند، و قلب او چشمه جوشان حکمت الهی می‌شود. آن حضرت با وجود آن که سرشار از اخلاقیات بوده، از خداوند می‌خواهد تا به بالاترین درجات در اخلاق برسد: «هَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ» مرا به پایه‌های بلند اخلاق برسان. این محور دعا، رابطه فرد با جامعه را در نظر دارد. نمی‌گوید «خدا یا به من خلق‌های حسنه بده»، این خواسته را از آغاز دعا تا اینجا خواسته است، در اینجا والاترین و بلند افق‌ترین و برجسته‌ترین خلق‌ها را می‌خواهد که فقط «حسنة» نیستند، بلکه حسنه‌های فرازتر، بلندتر و گسترده‌تر، و عام شمول‌تر در جامعه، هستند. نیک روشن است حسن خلق سبب پیوند دوستی و تقویت آن می‌شود که این امر یک اثر اجتماعی در اندازه کوچک است و سبب قوت بخشی نظام جامعه می‌شود. در جامعه‌ای که رابطه‌ها بر اساس حسن خلق شکل بگیرد و افراد در برابر دیگری با رویی گشاده و مسئولیت‌پذیر برخورد کند، به ناچار راهی که در روی ایشان است، راه سعادت و خوشبختی است.

تعقل: اسلام بیش از هر مکتبی پیروان خود را به تفکر و تعقل دعوت کرده است که این موضوع با نگاهی گذرا به ظواهر قرآن و روایات اسلامی و تکرار فراوان ترکیبات عقل در این منابع، قابل برداشت است. از دیگر راهبردهای صحیفه سجاده‌یه نیز در جامعه‌سازی، شکوفایی عقل و خرد انسانی می‌باشد. در یکی از دعاهای صحیفه امام به درگاه الهی دست طلب بلند می‌کند: «عَلِّمْنِي حَسَنَ التَّقْدِيرِ» به من عقل معاش ده. مراد از عقل معاش، اندیشه‌های عقلانی مربوط به زندگی این دنیا و چاره‌اندیشی درباره معضلات و مشکلات زندگی و تدابیر امور جاری حیات مادی هماهنگ با قوانین شرعی و سازگار با آن است، تا حیات آرمانی (حیات معقول) و حیات طیبه قرآنی تحقق عینی یابد. عقل به معنای قوه

ذوق عقلایی همه عقلا می‌دانند که برای دوام زندگی اجتماعی باید طبق آن‌ها عمل کنند. پس هنگامی که جامعه به شیوه‌ای که توصیه امام بوده، شکل گیرد افراد باید یاد بگیرند تا در روابط و تعاملات خود متعهد و پایبند باشند.

رعایت حقوق انسان‌ها: رعایت حقوق در جامعه اسلامی، یکی از مبانی جدی در رفتارهاست؛ چه حقوق الهی، چه حقوق شخصی و فردی و چه حقوق در ارتباط با دیگران. (۲۴) در یکی از فرازهای صحیفه آمده: «وَ أَقْضِ عَنِّي كُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَ فَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِي وَجْهِ مَنْ وَجُوهُ طَاعَتِكَ أَوْ لَخْلُقٍ مِنْ خَلْقِكَ» مرا بر انجام کارهای مربوط به خودم و یا سایر بندگانت که بر من لازم و واجب فرموده‌ای، موفق بدار.

خداوند متعال در دستورهای متعالی اسلامی، امت را به صورت یک واحد مرتبط به هم، برخی را در خدمت بعضی دیگر قرار داده است و این طور نیست که مردمان نسبت به یکدیگر هیچ‌گونه مسئولیتی نداشته باشند. خداوند سبحان انسان بی‌ثمری را که در این جهان فقط از دیگران استفاده می‌برد، اما خود در خدمت دیگران قرار نمی‌گیرد، دوست نمی‌دارد. چنین فردی حتی از گل و گیج این عالم پست‌تر است، زیرا دیوار هم، سایه‌ای دارد که چه بسا خسته‌ای در پناه او می‌آرآمد. بنابراین همه ذرات هستی دارای مسئولیت و حقوقی نسبت به یکدیگر هستند و بدیهی است انسان که سرآمد عالم آفرینش است، مسئولیت سنگینی دارد. نیز تنها در سایه احساس مسئولیت در برابر جامعه است که رعایت حقوق دیگران معنا پیدا می‌کند.

امنیت: همه انسان‌ها می‌خواهند همواره جان و مال و حیثیت آن‌ها در امنیت باشد. زمانی که جامعه‌سازی به درستی صورت گیرد، افراد جامعه احساس امنیت و آرامش می‌کنند. در یکی از دعاهای صحیفه، امام (علیه‌السلام) این گونه به درگاه الهی عرضه می‌دارد: «وَ أَمِنُنَّ عَلَيَّ بِالصِّحَّةِ وَ الْأَمْنِ» پروردگارا بر من منت بگذار به سلامتی و امنیت. به راستی که امنیت نیز همچون تندرستی، از نعمت‌هایی است که تا هست، قدرش ناشناخته است و هنگامه بروز فتنه‌ها و آشوب‌هاست که ارزش نعمت امنیت، آشکار می‌شود. به فرموده مقام معظم رهبری: «امنیت، یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای یک ملت و یک کشور است. مهم‌ترین مشکل برای یک کشور وقتی به وجود می‌آید که در محیط کار، در محیط زندگی، در محیط تحصیل و در فضای عمومی جامعه، مردم احساس امنیت نکنند. این جاست که مغزهای فعال، دست‌های توانا و سرانگشتان ماهر، هیچ یک نخواهند توانست مسئولیت مهمی را که هر کدام بر دوش دارند، به انجام برسانند. در فضای امنیت است که هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم روحیه و نشاط و هم همه‌ی فعالیت‌های یک کشور می‌تواند به درستی برنامه‌ریزی شود و با دقت دنبال گردد و به نتایج خود برسد.»

عزت و اقتدار: یکی از شاخصه‌های مهم یک جامعه‌ی رشد یافته و متکامل، عزت‌مداری در روابط داخلی و خارجی است. عزت در یک جامعه زمانی به وجود می‌آید که آن جامعه در عرصه‌های مختلف از وابستگی‌های خود کاسته و با اتکا به نیروی لایزال الهی بر روی پای خود بایستد و مسیر پیشرفت را با صبر و

درحوزه تقوا، سرمایه‌گذاری کند؛ زیرا تقوا، بنیاد اخلاق، هنجارها، رفتارهای سالم و اجتماعی و عامل نظارتی درونی و قوی برای اجرای قانون‌هاست. بنابراین اگر جامعه‌ای بخواهد در مسیر درست قرار گیرد و شهروندان آن قانون را در همه حال به دور از هرگونه هزینه اضافی اجرایی کنند، می‌بایست به آن‌ها آموزش خویش‌بنانی و تقوآمداری دهد.

پیامد

اگر جوامع بشری بر اساس راهبردهایی که از سوی معصوم ارائه شده، بتواند سامان یابد، نتایج ارزشمندی را به دست خواهد آورد.

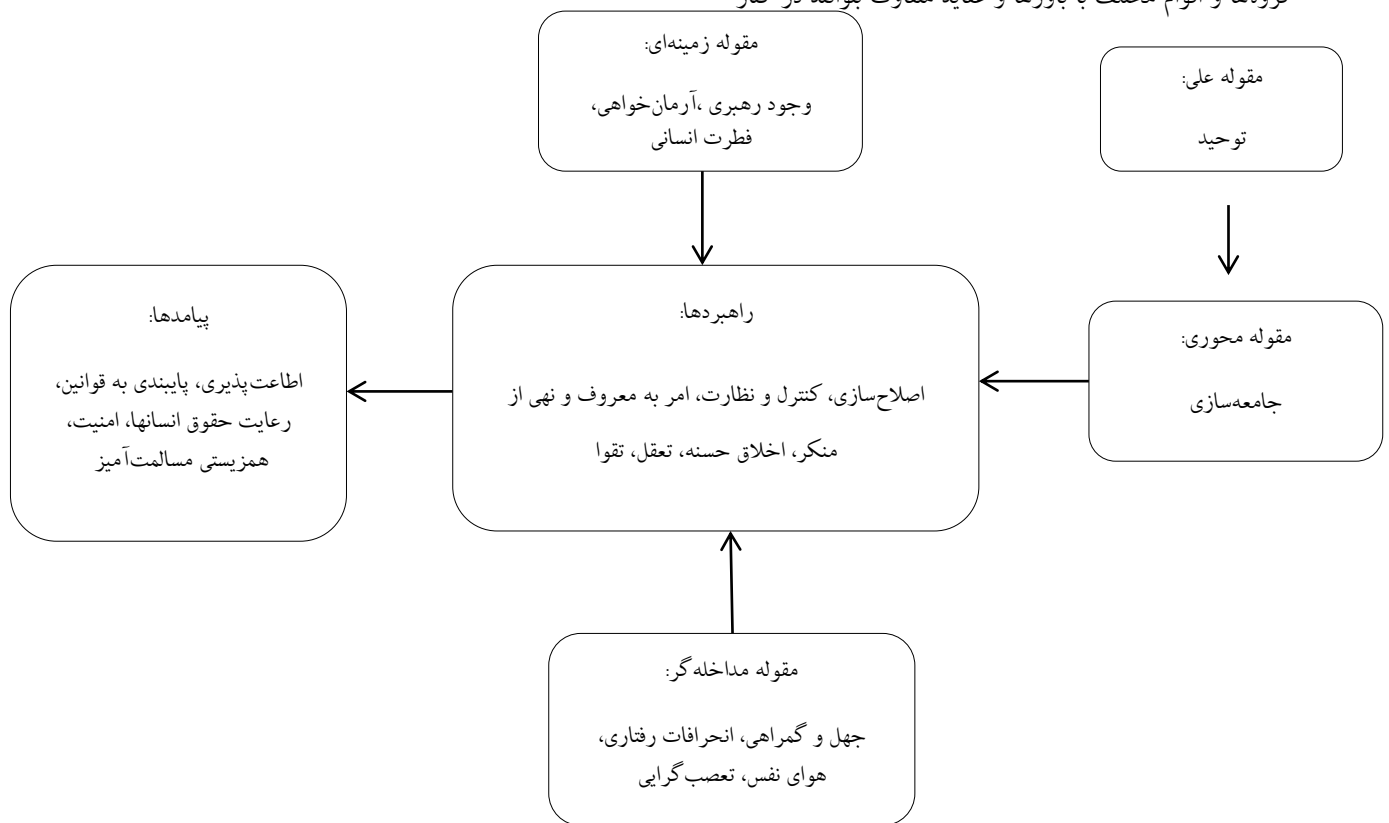
این پیامدها شامل مواردی مختلفی است. از جمله:

اطاعت‌پذیری: در بخشی از صحیفه آمده: «وَ أَشْغَلُ بِطَاعَتِكَ نَفْسِي عَنْ كُلِّ مَا يَرُدُّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَحِبُّ شَيْئًا مِنْ سَخَطِكَ»؛ مرا نسبت به همه مسائل به طاعت خودت وادار کن تا آنچه را که تو را به غضب می‌آورد، دوست نداشته باشم. محور سخن امام؛ یعنی به حدی به اطاعت تو در همه راه‌ها و رفتارهای زندگی مشغول باشم که در ناخودآگاهم نسبت به هیچ کدام از موارد رضای تو احساس بد نداشته باشم این کلام نشان دهنده اوج اطاعت‌پذیری امام در همه امورات زندگی‌اش می‌باشد. آن چه که نیازمند توضیح است و می‌توان آن را تکمیل‌کننده کلام امام دانست، آن است که اطاعت از خداوند در کنار اطاعت از اولی‌الامر مطرح است. یکی از لوازم لاینفک جامعه وجود رهبر برای آن است. قبول زندگی جمعی در حیات انسان‌ها نمی‌تواند از مسأله رهبری جدا باشد؛ چرا که برای مشخص کردن خط اصلی یک جمعیت همیشه نیز به رهبر و پیشوائی است. سرنوشت هر ملت و جامعه‌ای، بستگی به اطاعت یا سرپیچی آنان از رهبران آن جامعه دارد. موفقیت حاکمیت جامعه نیز، بستگی تام به اطاعت‌پذیری مردم داشته و میزان روحیه اطاعت‌پذیری مردم، تعیین‌کننده موفقیت رهبر و زمامدار جامعه در تحقق اهداف و برنامه‌هایش است.

پایبندی به قوانین: یکی از افتخارات اسلام به‌عنوان دین متمدن، این است که قانون و نظم را برای بشریت به ارمغان آورده و راه رستگاری را در سایه عمل به مقررات شریعت معرفی نموده است. از آغاز اسلام تلاش فراوان در راه قانونمند کردن جامعه اسلامی صورت گرفت. لازم به ذکر است راهکارهایی که در مدیریت ساخت جامعه به کار بسته می‌شود، روحیه جامعه‌پذیری افراد را افزایش می‌دهد و به تبع افراد جامعه به جهت برقرار تعامل و ارتباط با یکدیگر، قانون‌مدارانه رفتار خواهند نمود. در چنین جامعه‌ای انسان روحیه‌ای متعهدانه داشته و سعی می‌کند از قوانین تخطی ننماید. همان گونه که امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «صُمَائِي أَنْ لَا أَرْجِعَ فِي مَذْمُومِك»؛ تعهد من آن که به کاری که نزد تو مذموم است، رجوع ننمایم. امام (علیه‌السلام) در این بخش از دعا توجه مخاطب را به سمت پایبندی و متعهد بودن سوق می‌دهد؛ چرا که رکن تشکیل زندگی اجتماعی و مدنی یا تحقق جامعه، تعهداتی است که افراد اجتماع نسبت به همدیگر دارند. افراد اجتماع طبق قراردادهایی با هم کار می‌کنند که این قراردادهای گاهی لفظی یا کتبی است و گاهی نانوشته است، اما به

یکدیگر زندگی آرامی داشته باشند. در یکی از دعاهای صحیفه سجادیه امام می‌فرماید: « بارخدا یا مرا توفیق ده که بدکارشان را به احسان پاداش دهم و از ستمکارشان با گذشت و بخشش صرف نظر کنم و نسبت به همه آنان نیک‌گمان باشم و با همه آنان به نیکی رفتار کنم، و چشم از خطای آنان غفیفانه ببوشم و از باب فروتنی با ایشان نرم باشم و بر بلادیدگان آنان به آیین رحمت رقت آورم و در نبودشان دوستی و محبت خود را بر آنان ظاهر سازم و از سراخلاص دل بسته دوام نعمت آنان باشم و هر چه را برای خویشان خود لازم می‌دانم، در حق آنان لازم بدانم و آنچه را برای مخصوصان خود رعایت می‌کنم، برای آنان نیز رعایت نمایم.» سعادت جامعه انسانی در نحوه همزیستی افراد آن جامعه می‌باشد. امام (علیه‌السلام) در این فراز دعا، انسان را به رعایت ارزش‌های اخلاقی در همزیستی فرا می‌خواند، تا به تربیت افراد جامعه بینجامد. لازم به ذکر است همزیستی مسالمت‌آمیز سطوح مختلفی دارد که از جمله آنان مربوط به همزیستی مسالمت‌آمیز در روابط اجتماعی میان مردم یک جامعه می‌باشد. در واقع امام از حقوق همسایگان سخن به میان آورده و با توجه به اینکه همسایگان از گروه‌هایی هستند که در کنار انسان و با وی در یک جامعه زندگی می‌کنند، مشمول این سخن می‌شوند.

بردباری طی کند. در چنین جامعه‌ای بین تمامی افراد در زمینه‌های مختلف همدلی و صمیمیت برقرار بوده و تکیه افراد بر روی نیروی داخلی است. امام سجاد (علیه‌السلام) در یکی از دعاهای خود می‌فرماید: « وَ حَصِّنْ نُفُورَ الْمُسْلِمِينَ بَعِزَّتِكَ، وَ آيِدْ حِمَاتَهَا بِقُوَّتِكَ »؛ به عزتت مرزهای مسلمانان را محکم ساز و به نیرویت مرزبانان را تقویت فرما. امام سجاد (علیه‌السلام) در این دعای صحیفه که به «دعای مرزداران» معروف است، از یک سو در مقام بندگی، خواسته‌ها و نیازهای رزمندگان و مرزبانان را به حضور رب العالمین عرضه کرده و از سویی دیگر به مقتضای امامت و رهبری جامعه اسلامی، اصول و قواعد مرزبانی و نبرد و نیز وظایف همگان را به عنوان ابزار تحقق اراده الهی آموزش داده است. زمینه تاریخی صدور دعا بیانگر آن است که همه گروه‌های متعهد باید به پیروی از امام خویش به هنگام رویارویی با دشمن خارجی اختلافات درونی را کم‌رنگ کرده، کوشش‌هایشان را صرف حفظ اسلام، عزت آن و مرزهای کشور اسلامی نمایند. گفتنی است امام سجاد (علیه‌السلام) در روزگاری این دعای نورانی را فرمود که حکومت دینی را، ناهلان غضب کرده بودند. (۲۵) همزیستی مسالمت‌آمیز: همزیستی مسالمت‌آمیز به معنای زندگی در کنار یکدیگر بدون دعوا و کشمکش است، به صورتی که افراد، گروه‌ها و اقوام مختلف با باورها و عقاید متفاوت بتوانند در کنار



«مدل پارادیمی تحقق جامعه اسلامی از منظر صحیفه سجادیه»

کتاب پرداخته و ضمن خارج نمودن نکات کلیدی مربوط به جامعه‌سازی، به ارائه الگوی مناسبی از این کتاب ارزشمند بپردازد. نتیجه تحقیق بیانگر آن است که امام سجاد (علیه‌السلام) نگاه ویژه‌ای به امر جامعه‌سازی داشته و از منظر ایشان احیای

#### نتیجه‌گیری

در این پژوهش نگارنده بر آن شده که با کنکاش و تأمل در صحیفه سجادیه، به بررسی ادعیه امام سجاد (علیه‌السلام) در این

7. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (1417 AH), *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Qom, Islamic Publications Office of the Seminary's Seminary Society.
8. Askari, Hassan bin Abdullah (1400 A.H.) *al-Frooq fi al-Lagha*, Beirut, Dar al-Afaq al-Jalida.
9. Fakhr al-Din Razi, Abu Abd Allah Muhammad ibn Umar (1420 AH), *Mufatih al-Ghaib*, Beirut, Dar Ahya al-Tarath al-Arabi.
10. Mostafavi, Hassan (2010) *Tafsir Roshan*, Tehran, Publishing House, first edition.
11. Aghabozur Tehrani, Mohammad Mohsen (1355) *Al-Shayrah al-Tsanif al-Shia*, Najaf, Al-Ghori Press.
12. Creswell, John (2014) *Qualitative survey and research design: choosing among five approaches (narrative research, phenomenology, data-based theory, ethnography, case study)*, translation: Hassan Danaei Fard and Hossein Kazemi, Tehran, Safar.
13. Danai Fard, Hassan; Alwani, Mehdi and Azar, Adel (2014) *Quantitative Research Methodology in Management: A Comprehensive Approach*, Tehran, Safar Publications, 9th Edition.
14. Moghadam, Saeed (2014) *Characteristics of the ideal society in the thought of Imam Sajjad (peace be upon him)*, Marafet magazine, number 219.
15. Golzari, Zainab (1400) *Foundation data theory method; Scientific guide for research*, Shahr Kurd, Academic Jihad.
16. Hosseini Khamenei, Seyyed Ali (2016) *Outline of Islamic Thought in the Quran*, Tehran, Farhang Islamic Publishing House.
17. *Sahifah Sajjadiyeh* (1386) Translation: Kazem Arfa, Tehran, Faiz Kashani.
18. Khorasani Sabzevari, Ebrahim (2013) *Commentary on Sahifa Sajjadiyeh*, Isfahan, Seminary.

جامعه در گرو تربیت اعضای جامعه بوده و آن چه که حضرت بدان بذل توجه داشته و در دعاهای خویش بدان پرداخته‌اند، تأکید بر تربیت تک تک افراد جامعه و به تبع آن روابط آن‌ها در کنار دیگر افراد جامعه بوده که منجر به جامعه‌سازی اسلامی می‌گردد. مقوله علی این پژوهش محوریت توحید بوده و مقوله‌های زمینه‌ای که یاری‌رسان تشکیل جامعه می‌باشند، وجود رهبری به عنوان حاکم جامعه، آرمان‌خواهی افراد جامعه تا آنان را به سوی اهداف عالی سوق دهد و فطرت انسانی می‌باشد که بر اساس آنان، انسان‌ها خواستار زندگی جمعی می‌باشند. مقوله مداخله‌گر که نقش موانع را بر سر راه تشکیل جامعه ایفا می‌کند، شامل جهل و گمراهی بشر، انحرافات رفتاری از قبیل: حرص، تکبر و فخر فروشی، پیروی از هواهای نفسانی و تعصب‌گرایی می‌باشد. راهبردهایی که امام سجاد (علیه‌السلام) به منظور تشکیل جامعه اسلامی معرفی می‌نماید، راهکارهایی نظیر: اصلاح‌سازی، کنترل و نظارت بر امور جامعه، امر به معروف و نهی از منکر در میان افراد جامعه، به کار بستن اخلاق حسنه، تعقل و تقوا ورزیدن انسان‌ها می‌باشد. به دنبال تشکیل جامعه اسلامی، مردم دارای روحیه اطاعت‌پذیری شده و پایبند به قوانین می‌گردند. حقوق انسان‌ها رعایت و امنیت در سطح جامعه سایه می‌گستراند. همچنین افراد جامعه موفق می‌شوند که در همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر افراد و فرقه‌های درون جامعه بسر برند.

## References

- The Holy Qur'an (1414 AH) translated by Mohammad Mehdi Foladvand, Tehran, Darul Qur'an Al Karim.
1. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (1416 AH) *Lasan-al-Arab*, Beirut, Dar Sadir.
  2. Tarihi, Fakhreddin bin Mohammad (1367), *Majma Al-Baharin*, Tehran, Al-Thaqafia Publishing School.
  3. Qalaba, Jamil (2010) *Dictionary of Philosophy and Social Sciences*, translated by: Kazem Bargh Nisi and Sadegh Sajjadi, Tehran, publishing company.
  4. Motahari, Morteza (2016) *Introduction to Islamic worldview (society and history)*, Tehran, Sadra.
  5. Farabi, Abu Nasr Mohammad bin Mohammad (1379) *Opinions of Ahl al-Madinah al-Fazlah*, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance.
  6. Ragheb Esfahani, Abulqasem Hossein bin Muhammad (1428 AH) *Vocabulary of the words of the Qur'an*, Beirut, Dar al-Marafa.

19. Ibn Shahr Ashub, Muhammad ibn Ali (1379) *Manaqib Al Abi Talib*, researcher: Yusuf Beqaei, Beirut, Dar al-Azwa.
20. Salmanpour, Mohammad Javad (2012) *The language of prayer in the Sajjadiyeh scripture*, Tehran: University of Sciences and Education of the Holy Quran.
21. Molabashi Shirazi, Muhammad Baqir bin Muhammad (2013) *Al-Anwar al-Arshiyah in Sharh al-Sahifa al-Sajadiyyah*, Isfahan, Seminary Computer Research Center.
22. Ansarian, Hossein (1389) *Land of Lovers; Comprehensive interpretation of Sahifa Sajjadiyeh*, Qom, Dar al-Irfan.
23. Mughniyeh, Mohammad Javad (1387) *in the shadows of al-Sahifah al-Sajadiyeh*, Qom, Dar al-Kitab al-Islami.
- Mouinipour, Masoud; Mousavi, Seyyed Mohammad Mahdi (2014) *Religious Education Style of Imam Sajjad (peace be upon him)*, *Studies of Islam and Psychology*, No. 16.
24. Akhundi, Mustafa (1386) *Jihad in the Mirror of Narratives*, Qom, Zamzam Hedayat.